

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی پیرامون

قانون تشکیل دادگاههای حقوقی يك و دو

(نظرات قضائی قضات دادگاههای حقوقی دو تهران)

یوسف نوبخت

موضوع بحث (۱)

آبادگاههای حقوقی ۲ صلاحیت رسیدگی بدعاوی دولتی را دارند یاخیر؟

نتیجه بحث

۱. بنظر اکثریت قضات دادگاههای حقوقی ۲ تهران حاضر در جلسه دادگاههای حقوقی ۲ صالح برسیدگی نسبت بدعاوی دولتی میباشند زیرا :

اولا : ممنوعیت رسیدگی نسبت بدعاوی دولتی بموجب ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر به دادگاههای بخش و صلح سابق بوده است و چون این محاکم بحکم ماده ۱۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو منحل گردیده اند ، علیهذا ماده مرقوم موضوعاً منتفی و منسوخ شده است و با نسخ آن قانوناً منعی در رسیدگی دادگاههای حقوقی دو نسبت بدعاوی

دولتی بنظر نمیرسد .

ثانیاً : اصل بر رسیدگی دادگاه و صلاحیت قاضی است و عدم صلاحیت در رسیدگی محتاج نص است و با فقدان نص ، اصل رعایت میشود مضافاً آنچه راجع به صلاحیت دادگاههای حقوقی دو در قانون احصاء شده است محدود به موضوعات و میزان دعاوی است و ارتباطی به شخصیت متداعیین ندارد .

ثالثاً : این نظر که محاکم حقوقی دو جانشین محاکم صلح سابق اند، پس صلاحیت آنها محدود و منحصر بهمان صلاحیت قبلی است، صحیح نمیباشد چه علاوه از اینکه قانون در هیچ جا متعرض این معنی نشده و برعکس موارد تازه‌ای از صلاحیت را برای محاکم حقوقی ۲ شناخته است، اساساً این دادگاهها تأسیس حقوقی جدیداند که بر مبنای موازین شرع انور اسلام پایه‌گذاری شده‌اند و شرعاً نیز تفاوتی بین صلاحیت قضات در رسیدگی بدعاوی دولتی نیست .

رابعاً : نه تنها از مفهوم مخالف بند ۲ ماده ۹ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو عدم صلاحیت دادگاههای حقوقی ۲ در رسیدگی به دعاوی دولتی استنباط نمیشود بلکه باید گفت عدم صلاحیت منحصر به مورد منصوص دعاوی راجع به اسناد سجلی است و در غیر مورد مذکور اصل بر صلاحیت است .

۲ . به نظر اقلیت قضات حاضر در جلسه، دادگاههای حقوقی ۲ صالح برای رسیدگی نسبت بدعاوی دولتی نیست زیرا: حسب مستفاد از قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو، دادگاههای حقوقی دو جانشین محاکم صلح و بخش سابق اند و چون این محاکم صلاحیت رسیدگی بدعاوی راجع به دولت را نداشته‌اند محاکم حقوقی دو نیز فاقد صلاحیت مذکور میباشند. مؤید این معنی بند ۲ ماده ۹ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو است، که

استثنائاً صلاحیت رسیدگی بدعاوی اسناد سجلی را که نوعی از دعاوی دولتی است برای محاکم حقوقی دو مستقل قائل شده و مفهوم مخالف آن اینست که دادگاههای حقوقی ۲ مستقل جز این مورد و محاکم حقوقی دو بطور کلی صلاحیت رسیدگی بدعاوی دولتی و همچنین اسناد سجلی را نخواهند داشت .

موضوع بحث (۲)

آیا تحریرترکه و رفع مهر و موم بادادگاه حقوقی ۲ است یا دادگاه حقوقی یک؟

نتیجه بحث

۱ . به نظر اکثریت قضات حاضر در جلسه هر چند در بند ۱ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ راجع به موارد صلاحیت محاکم حقوقی دو عنوان تحریر ترکه و رفع مهر و موم قید و تصریح نشده است لیکن چون اولاً قانونگذار با ذکر کلمه « شامل » در مقام بیان همه موارد نبوده بلکه از باب تمثیل بذکر پاره‌ای از مصادیق امورحسبی نظر داشته‌است و ثانیاً در آغاز این بند امور مربوط به ترکه بطورکلی در صلاحیت محاکم حقوقی دو شناخته شده و در ماده ۱۶۳ قانون امورحسبی مهر و موم و تحریر ترکه و اداره ترکه جزء امور راجع به ترکه تعریف گردیده است و اصولاً اذن در شئی اذن در لوازم شئی نیز میباشد ، باین معنی که وقتی امور مربوط به ترکه و مهر و موم و تصفیه و تقسیم آن در صلاحیت دادگاه حقوقی دو است رفع مهر و موم و تحریر ترکه نیز که از لوازم و مقدمات تصفیه و تقسیم ترکه میباشد نیز در صلاحیت محاکم حقوقی ۲ خواهد بود و منطقی نیست که قرار مهر و موم در دادگاه حقوقی دو صادر شود و قرار رفع مهر موم و تحریر ترکه در دادگاه حقوقی یک و از طرف دیگر نیز تصفیه و تقسیم

ترکه در دادگاه حقوقی دو انجام یابد، چه این نحوه رسیدگی موجب تشتت و هرج و مرج قضائی و سرگردانی ارباب رجوع میگردد. علیهذا دادگاه‌های حقوقی دو صلاحیت رسیدگی به کلیه امور مربوط به ترکه از جمله تحریر ترکه و رفع مهر و موم را نیز دارند.

۲. به نظر قضات دیگر حاضر در جلسه با توجه به ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو، که محاکم حقوقی یک را صالح به رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی و امور حسبی دانسته و با توجه به بند ۱ ماده ۷ قانون یاد شده که در مقام بیان موارد امور حسبی داخل در صلاحیت محاکم حقوقی ۲ ذکری از رفع مهر و موم و تحریر ترکه نکرده است، باید گفت که سکوت در مقام بیان دلیل آنستکه قانونگذار رفع مهر و موم و تحریر ترکه را استثناء کرده و آنرا در صلاحیت عام محاکم حقوقی یک قرار داده است در غیر اینصورت موردی برای اعمال ماده ۵ قانون مذکور راجع به امور حسبی در دادگاه حقوقی یک باقی نخواهد ماند.

موضوع بحث (۳)

تفاوت بندهای ۴ و ۳ ماده ۷ قانون تشکیل محاکم حقوقی ۲۰۱.

نتیجه بحث

دعاوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی مذکور در بند ۱۳ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو همان دعاوی پیش‌بینی شده در مواد ۳۲۳ و بعد قانون آئین دادرسی مدنی است که رسیدگی به آنها در صلاحیت اختصاصی محاکم حقوقی ۲ و با شرایط خاص است. لیکن دعاوی مذکور در بند ۴ ماده ۷ یاد شده مشمول قانون مدنی و غیر از موارد ماده ۳۲۳ و بعد قانون آئین دادرسی مدنی است.

موضوع بحث (۴)

آیا در قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو بین دعاوی خلع ید و تخلیه تفاوت است؟

نتیجه بحث

برخلاف رویه قضائی سابق، که بین دعاوی تخلیه و خلع ید تفاوت بوده است و دعوی تخلیه از مصادیق دعاوی غیرمالی و معمولاً ناظر به ید قانونی و استیجاری بوده و دعوی خلع ید از دعاوی مالی و ناظر به ید غاصبانه محسوب می‌شده است، در قانون اخیرالتصویب بین دعاوی مذکور فرقی نیست چه در بند ۳ ماده ۷ آن بطور کلی فقط عنوان خلع ید بکاررفته است و ظاهراً قانونگذار نظر به غیرمالی بودن آن داشته و در هر حال دعاوی تخلیه و خلع ید را غیرمالی دانسته و رسیدگی به دعاوی تخلیه یا خلع ید نسبت به ملک را تا هر میزان که قیمت داشته باشد در صلاحیت دادگاه حقوقی دو قرار داده است مگر آنکه اختلاف در مالکیت مطرح شود که در اینصورت نصاب دادگاه حقوقی دو (تا دو میلیون ریال) معتبر خواهد بود. بنابراین مادام که اختلاف در مالکیت نباشد - و فرض قانونگذار هم این بوده که معمولاً در دعاوی تخلیه و خلع ید اختلاف در مالکیت نیست - رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی دو می‌باشد.

موضوع بحث (۵)

با توجه به بند ۸ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو - که رسیدگی به دعاوی راجع به روابط موجر و مستاجر در صلاحیت اختصاصی دادگاه حقوقی دو است مگر در خصوص مطالبه اجور که نصاب معتبر است - اگر در دعوی تعدیل، اجاره‌بهای مورد مطالبه بیش از دو میلیون ریال تقریم شود، دادگاه صالح کدام است؟

نتیجه بحث

۱. به نظر اکثریت قضات حاضر در جلسه چون در هر حال دعوی مذکور از دعاوی مالی است و بطور کلی رسیدگی بدعاوی مالی تابع نصاب است بنابراین اگر خواسته، تعدیل اجاره بها به بیش از دو میلیون ریال باشد در دادگاه حقوقی یک رسیدگی خواهد شد.

۲. به نظر قضات دیگر حاضر در جلسه به صراحت شق ۸ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو، رسیدگی به دعاوی موجر و مستأجر بطور کلی در صلاحیت اختصاصی دادگاه حقوقی ۲ است و آنچه استثناء شده فقط مطالبه اجور است که اگر بیش از دو میلیون ریال باشد با دادگاه حقوقی یک است. بنابراین رسیدگی به دعوی تعدیل و یا الزام به تعمیر اساسی، چون از دعاوی راجع به روابط موجر و مستأجر است و مستثنی هم نشده است، تا هر میزان که باشد با دادگاه حقوقی دو خواهد بود.

موضوع بحث (۴)

دوباره. ۱. قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو آیا حق اعتراض محکوم علیه غائب محدود به زمان خاصی است؟

نتیجه بحث

اعتراض مذکور محدود به زمان نیست و محکوم علیه غائب هر وقت میتواند دادخواست اعتراض بدهد.

موضوع بحث (۷)

بموجب ماده. ۱ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو، حق اعتراض برای محکوم علیه غائب شناخته شده است. آیا این ماده ناسخ قانون روابط موجر و مستأجر در خصوص حضور و بودن احکام راجع بآنست؟

نتیجه بحث

۱. به نظر اکثریت قضات حاضر در جلسه چون قانون روابط موجر و مستأجر قانون خاص است علیهذا ماده ۱۰ قانون لاحق ناسخ آن نمیشود و در هر حال احکام راجع به موجر و مستأجر حضوری است.
۲. به نظر قضات دیگر حاضر در جلسه ماده ۱۰ قانون تشکیل محاکم حقوقی یک و دو با توجه به عموم و اطلاق آن ناسخ قانون روابط موجر و مستأجر در خصوص حضوری بودن احکام است، بنابراین اگر حکم راجع به موجر و مستأجر غیابی باشد محکوم علیه غائب مثل سایر موارد مطابق ماده ۱۰ قانون مرقوم حق اعتراض خواهد داشت.

موضوع بحث (۸)

مرجع تشخیص اینکه آیا مورد از موارد مذکور در بندهای ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو هست یا نه کدام دادگاه است، عبارت دیگر کدام مرجع باید تشخیص دهد که حکم صادر از دادگاه حقوقی قابل تجدید نظر است؟

نتیجه بحث

چون بموجب تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو، مرجع تجدید نظر تصمیمات دادگاه حقوقی دو دادگاه حقوقی یک میباشد علیهذا بنظر میرسد همان مرجع تشخیص دهنده قابلیت یا عدم قابلیت تجدید نظر نسبت به احکام مذکور نیز باشد.

موضوع بحث (۹)

تمبر الصافی به دادخواستهای مربوط به دعاوی غیر مالی در دادگاه حقوقی دو، به چه میزان خواهد بود؟

نتیجه، بحث

۱. به نظر اکثریت قضات حاضر در جلسه چون اخذ هر گونه وجه اضافی بعنوان تمبر مالیاتی و هزینه دادرسی نیاز به مجوز قانونی دارد و در مورد دادگاه حقوقی دو چنین اجازه قانونی در دست نیست، علیهذا به دادخواستها در این محاکم بعنوان دادگاه نخستین بهمان میزان دادگاه صلح سابق میبایست تمبر الصاق و ابطال گردد.
۲. به نظر قضات دیگر حاضر در جلسه نظر به اینکه دادگاه صلح قانوناً منحل شده است و دادگاه حقوقی ۲ تأسیس جدید و در ردیف محاکم حقوقی یک، تحت عنوان دادگاههای عمومی حقوقی، است و بموجب قانون تشکیل محاکم حقوقی یک و دو، رسیدگی جز در موارد استثنائی دو درجه‌ای نخواهد بود علیهذا تمبر هزینه دادرسی دادگاههای حقوقی ۲ نیز بطور یکنواخت بمیزان تمبر الصاقی در محاکم حقوقی یک، یعنی عمومی حقوقی سابق، خواهد بود.

والسلام

